

دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید جلسه ۲۸، اطاعت قوم خدا

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه ۲۸، اطاعت قوم خدا است.

کاری که می‌خواهیم در چند جلسه آخر انجام دهیم، بررسی موضوع اطاعت و چگونگی عملکرد آن در زندگی قوم خدا، مانند اطاعت و قوم خدا است.

ما دو جلسه خواهیم داشت که در آن به موضوع گسترده‌تر اطاعت به عنوان واکنش قوم خدا به اعمال لطف‌آمیز او از جانب آنها، به ویژه در پرتو مسیح، خواهیم پرداخت و سپس بخشی خواهیم داشت که در آن به طور خلاصه نظرات مختصری در مورد یک موضوع بسیار پیچیده ارائه می‌دهیم و آن رابطه مسیحیان با شریعت عهد عتیق است. وقتی از نظر اطاعت و واکنش قوم خدا فکر می‌کنیم، شریعت عهد عتیق چه نقشی در همه اینها ایفا می‌کند؟ و سپس، کاری که می‌خواهم برای آخرین جلسه‌مان انجام دهم این است که با بررسی دو متن به پایان برسانیم. در واقع، این دو متنی که بارها در رابطه با سایر موضوعات به آنها اشاره کرده‌ایم، و کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که دوباره آن متون را به طور مفصل بررسی کنم و نشان دهم که چگونه یک رویکرد الهیاتی کتاب مقدسی آن متون را روشن می‌کند و چگونه آن متون به الهیات کتاب مقدسی کمک می‌کنند. بخش عمده‌ای از آنچه می‌گوییم چیز جدیدی نخواهد بود، بلکه صرفاً مجموعه‌ای از موضوعات، مضامین و مفاهیمی را که در جای دیگری از این دوره به آنها اشاره کرده‌ایم، گرد هم می‌آورد و همه آنها را در تلاش برای باز کردن این متون گرد هم می‌آورد و به ما نشان می‌دهد که چگونه الهیات کتاب مقدسی برای درک متون ارزشمند است و چگونه متون در ساختن الهیات کتاب مقدسی نقش دارند و ما را به سوی آن هدایت می‌کنند.

اما اول از همه، می‌خواهم به موضوع اطاعت قوم خدا پردازم. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در سراسر عهد عتیق و جدید به چشم می‌خورد، موضوع ایمان است. ایمان، واکنش صحیح قوم خدا به تدبیر خدا برای نجات آنهاست که اکنون، در عهد جدید، در شخص عیسی مسیح محقق شده است.

بنابراین، ایمان یعنی اعتماد به وعده‌های خدا. یعنی اعتماد به مرگ و رستاخیز خود عیسی برای فراهم کردن نجات ما. حداقل در نامه‌های پولس، احتمالاً رایج‌ترین و صریح‌ترین بیان این موضوع در افسسیان فصل ۲ و آیات ۸ و ۹ یافت می‌شود، زیرا به فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌اید.

و این از خودتان نیست. این موهبتی از جانب خداست. این از اعمال نیست تا کسی به خود فخر نکند.

بنابراین، ایمان تنها پاسخ مناسب به تدارک فیض‌آمیز نجات از طریق عیسی مسیح توسط خدا است. پولس، آن را با اعمال خودمان مقایسه می‌کند، که ما را قادر می‌سازد تا به دستاوردهای خود ببالیم. اما در عوض ایمان تنها راه برای تصاحب تدارکات فیض‌آمیز نجات از طریق واکنش ایمان به عیسی مسیح است.

با این حال، خواهیم دید که در عهد جدید، ایمان هرگز با اطاعت و اعمال نیک قوم خدا در تضاد نیست و همیشه با آن همراه است. از عهد عتیق، این را می‌بینیم. فرامین خدا، به ویژه از طریق شریعت عهد عتیق او. اراده خدا در درجه اول از طریق شریعتی که او با لطف به موسی و قومش می‌دهد، ابلاغ می‌شود.

با این حال، درک این نکته مهم است که حتی در عهد عتیق، شریعت از فیض خدا و اتکا به تدبیر بخشنده او جدا نیست. بنابراین، اگر به خروج فصل 20 برگردید، در همان ابتدای اعطای ده فرمان، ده فرمان و شریعت به موسی، در خروج فصل 20، متوجه می‌شویم که قبل از اینکه خدا این کار را انجام دهد و الزامات خود را برای قوم خدا بیان کند، 20 آغاز می‌شود و خدا همه این سخنان را بیان می‌کند: من خداوند، خدای شما هستم که شما را از مصر، از سرزمین بردگی بیرون آوردم. سپس، آنچه در ادامه می‌آید فهرستی از دستوراتی است که خدا به قوم خود می‌دهد.

به عبارت دیگر، اعطای شریعت توسط خدا به عمل قبلی او در رستگاری، تدارک قبلی او برای قومش، این واقعیت که او خدای آنهاست و آنها قوم او خواهند بود، و عمل قبلی او در رهایی قومش از مصر بستگی دارد. بنابراین، یک بار دیگر، شریعت به عنوان چیزی که شایسته لطف و برکت خدا باشد، داده نشده است؛ در عوض، شریعت پاسخی به آنچه خدا قبلاً برای قومش انجام داده است، می‌باشد. ما همچنین اهمیت اطاعت و درک اطاعت را در چارچوب عهد جدید می‌بینیم.

در حال حاضر آن متون را دوباره نمی‌خوانم، اما حزقیال، به ویژه ارمیا فصل ۳۱، و وعده خدا برای نوشتن شریعت بر قلب‌هایشان تا آنها را قادر به حفظ و اطاعت از آن کند. حزقیال فصل ۳۶ نیز جایی است که خدا قول می‌دهد روح خود را بر آنها بریزد تا قلبی جدید به آنها بدهد و آنها را قادر سازد تا با اطاعت از شریعت خدا واکنش نشان دهند. بنابراین، به نظر من وعده‌های عهد جدید در ارمیا و حزقیال برای درک عهد جدید بسیار مهم هستند زیرا آنها زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که خدا روح خود را خواهد ریخت، زمانی که او شریعت خود را بر قلب‌های قوم خود خواهد نوشت و آنها را قادر می‌سازد تا از فرامین او پیروی کنند.

و بنابراین، در عهد جدید خواهیم دید که از آنجایی که عهد جدید به وضوح آغاز شده است، ما به آن از نظر عبرانیان و حتی پولس، ادبیات پولس و جاهای دیگر، انجیل‌ها نگاه کردیم، جایی که عیسی به وضوح از طریق مرگ خود عهد جدید را آغاز می‌کند. عهد جدید این وعده را با خود به همراه دارد که خدا شریعت خود را بر قلب‌های آنها خواهد نوشت و روح خود را بر آنها خواهد ریخت و آنها را قادر می‌سازد تا از فرامین او پیروی کنند. بنابراین، وقتی به عهد جدید می‌رسیم، در عهد جدید، می‌بینیم که کسانی که با ایمان به تدارک فیض‌آمیز خدا از پسرش، عیسی مسیح، و مرگ و رستاخیز او پاسخ می‌دهند، با اطاعت و با یک زندگی دگرگون‌شده نیز پاسخ خواهند داد. بنابراین دوباره، در عهد جدید می‌بینیم که ایمان و یک زندگی دگرگون‌شده با یکدیگر در تضاد نیستند، بلکه در عوض یکدیگر را همراهی می‌کنند و نمی‌توانند از هم جدا شوند.

یک زندگی دگرگون‌شده، سپس توسط تدبیر مهربانانه‌ی خدا در عیسی مسیح امکان‌پذیر و انگیزه می‌یابد همان کاری که خدا برای قوم خود در مسیح عیسی انجام داده است. ما این را از قبل، مثلاً در انجیل مرقس، فصل ۱ و آیه ۱۵ و همچنین موارد مشابه در سایر انجیل‌ها می‌بینیم. در فصل ۱، آیه ۱۵ مرقس در همان آغاز خدمت عیسی، آیه ۱۴ را می‌یابیم که می‌گوید پس از زندانی شدن یحیی، عیسی به جلیل رفت و مژده خدا را اعلام کرد.

او گفت: «زمان فرا رسیده است، پادشاهی خدا نزدیک شده است. توبه کنید و به مژده ایمان بیاورید.» پس به ترکیب ایمان و توبه توجه کنید.

ایمان به مسیح همچنین به معنای رویگردانی از شر، رویگردانی از گناه و پذیرفتن عیسی مسیح با ایمان و اطاعت است. در واقع، توماس شراینر در الهیات عهد جدید خود می‌گوید که غیرقابل تصور است که رابطه جدید با عیسی چیزی کمتر از دگرگون‌کننده زندگی باشد. و من کاملاً موافقم.

بنابراین، عیسی می‌آید تا پادشاهی خدا را عرضه کند، اما این پادشاهی مستلزم پاسخی از ایمان و همچنین پاسخی از توبه یا رویگردانی از گناه است. بنابراین، اهمیت اطاعت را در رابطه با پاسخ فرد به ایمان می‌بینیم. ایمان به مسیح، رویگردانی از گناه و رویگردانی به سوی او را به همراه دارد.

برای مثال، در متی فصل ۲۵، من این متن را نمی‌خوانم، اما در انتهای فصل ۲۵ متی، به اصطلاح مثل گوسفندان و بزها، که احتمالاً به داوری آینده خدا بر قومش اشاره دارد، که صرفاً بر اساس اطاعت آنها است، که بر اساس اعمال آنهاست، و این معیاری می‌شود برای اینکه آیا آنها وارد پادشاهی آینده خدا خواهند شد یا خیر. ما اشارات متعددی را در جای دیگر، در لوقا فصل ۸، آیات ۱۱-۱۵، می‌بینیم، که در آن میوه آوردن، بار دیگر، میوه آوردن معیار رهایی در روز داوری است. و نمونه‌های دیگری از آن را از طریق انجیل‌ها می‌یابیم، جایی که عیسی انتظار دارد پیروانش با زندگی دگرگون شده و اطاعت، ایمان به او و توبه را نشان دهند.

احتمالاً مهم‌ترین نمونه از این موضوع در موعظه بالای کوه عیسی یافت می‌شود، و ما به روایت متی از آن در متی فصل‌های ۵-۷ نگاهی خواهیم انداخت. اما موعظه بالای کوه احتمالاً مهم‌ترین و حداقل کامل‌ترین نمونه، به یک معنا، و شناخته‌شده‌ترین نمونه و کامل‌ترین نمونه از آموزه‌های اخلاقی عیسی و آنچه او از قوم خود انتظار دارد، است. و روش‌های مختلفی برای درک موعظه بالای کوه وجود دارد که هم در متی ۵-۷ و هم در انجیل لوقا می‌یابیم.

متی روایت کامل‌تر و طولانی‌تری دارد، اما احتمالاً هر دو یک موعظه هستند. هر نویسنده در روایت‌های خود از موعظه بالای کوه عیسی بر نکات متفاوتی تأکید می‌کند. اما موعظه بالای کوه در طول تاریخ کلیسا، به طرق مختلف فهمیده شده است. برخی این موعظه را به عنوان یک اخلاق برای تغییر جامعه فهمیده‌اند، بنابراین این چیزی است که باید در جامعه ما وضع، اجرا و عملی شود تا تغییر و تحول ایجاد شود.

مشکل این است که به زودی خواهیم دید که عیسی به وضوح نه تنها جامعه را به طور کلی، بلکه پیروان خود را نیز خطاب قرار می‌دهد. و به خصوص وقتی به خوشا به حال کسانی که در روح فقیرند و غیره نگاه می‌کنیم، وقتی به آنها در یک لحظه نگاه می‌کنیم، خواهیم دید که عیسی شخص یا افراد خاصی را در نظر داشته است که موعظه بالای کوه را به اجرا در خواهند آورد.

بنابراین، به نظر من این موعظه در درجه اول یک اخلاق برای جامعه نیست، بلکه رابطه‌ای با عیسی مسیح را فرض می‌کند، که پیروان او هستند که این را به اجرا درخواهند آورد. رویکرد رایج دیگری که به ویژه توسط مارتین لوتر حمایت می‌شد، این بود که موعظه بالای کوه در درجه اول برای نشان دادن میزان قصور ما نشان دادن گناهکار بودن ما، و نشان دادن اینکه نمی‌توانیم شریعت را حفظ کنیم، و نشان دادن اینکه از نظر اخلاقی ورشکسته هستیم، و بنابراین برای هدایت ما به سوی مسیح، برای نشان دادن نیاز ما به یک ناجی، و برای سوق دادن ما به سوی توکل کامل به لطف خدا است. بنابراین، من موعظه بالای کوه را می‌خوانم و سعی می‌کنم آن را به اجرا درآورم، اما نشان می‌دهد که نمی‌توانم.

و این نوعی آمادگی برای انجیل است. مطمئناً تا حدودی در این مورد حقیقت وجود دارد. وقتی دوباره به خوشابحال‌ها نگاه کنیم، خواهیم دید که تا حدودی در این مورد حقیقت وجود دارد.

اما یک بار دیگر، با ارائه و ثبت کل خطبه بالای کوه توسط متی در چنین مدت زمان طولانی، دشوار است که فکر کنیم متی همه اینها را ثبت کرده و تا حدی انتظار نداشته باشد که این دستورالعمل عیسی باشد، که او انتظار داشت مردم واقعاً از آن پیروی کنند، و فکر می‌کرد که آنها واقعاً می‌توانند آن را تا حدی به کار گیرند. این چیزی بیش از یک آمادگی برای انجیل یا نشان دادن اینکه چقدر شکست می‌خورم و چقدر به یک

ناجی نیاز دارم، است. بنابراین، سوم، فکر می‌کنم بهترین راه برای نگاه به خطبه بالای کوه این است که آن را به عنوان یک اخلاق برای پادشاهی ببینیم.

این یک اخلاق اصیل برای قوم خدا است که به پادشاهی خدا تعلق دارند، و باز هم، اگر این را در چارچوب متی ۳ و ۴ قرار دهید، عیسی می‌آید تا پادشاهی خدا را موعظه کند، و اکنون عیسی می‌آید تا نه تنها پادشاهی را به کسانی که ایمان می‌آورند و توبه می‌کنند و با ایمان به او پاسخ می‌دهند، ارائه دهد، بلکه اکنون به قوم خود نیز بیاموزد که چگونه به عنوان کسانی که به پادشاهی تعلق دارند، زندگی کنند. عیسی به پیروان خود می‌آموزد که از کسانی که وارد پادشاهی، حکومت خدا، می‌شوند، چه انتظاری می‌رود.

ما احتمالاً باید پادشاهی یا موعظه بالای کوه را نیز در درون آن درک کنیم، و این هم عبارت معروف ما تنش از قبل اما نه هنوز. یعنی، عیسی انتظار دارد که موعظه بالای کوه بتواند از قبل در زندگی مردم به واقعیت تبدیل شود. او انتظار دارد که قوم خدا تا حدی بتوانند به طور قابل توجهی از خواسته‌های موعظه بالای کوه پیروی کنند.

اگرچه این امر تا زمان پادشاهی آینده به طور کامل محقق نشده است، بنابراین، به همین دلیل، فکر می‌کنم، باید خطبه‌ی بالای کوه را به عنوان یک اخلاق اصیل برای قوم خدا که وارد پادشاهی خدا شده‌اند، بخوانیم، اینکه عیسی از پیروانش انتظار دارد زندگی خود را با دستورالعمل‌های او که در خطبه‌ی بالای کوه آمده است، مطابقت دهند. حال، برای درک بیشتر خطبه، فکر می‌کنم باید به خوشبحال‌ها در همان ابتدای آن برگردیم، که به نظر من زمینه‌ای برای درک آن فراهم می‌کند.

و همچنین، باید آن را در چارچوب آنچه در فصل‌های ۳ و ۴ انجیل متی به طور کلی اتفاق می‌افتد، قرار دهیم. وقتی با خوشبحال‌ها در متی ۵ و آیات ۳-۱۱ شروع می‌کنید، جالب است که قبل از اینکه عیسی شروع به آموزش قوم خود در مورد نحوه زندگی به عنوان بخشی از پادشاهی خدا، آنچه از آنها خواسته می‌شود، اخلاقی که از کسانی که تحت حکومت پادشاهی خدا قرار می‌گیرند، خواسته می‌شود، کند، او با توصیف افرادی که موعظه بالای کوه را به اجرا در خواهند آورد و افرادی که او خطاب می‌کند، شروع می‌کند. و اجازه دهید فقط به چند مورد از اینها نگاه کنیم.

با این جمله آغاز می‌شود: خوشا به حال مسکینان در روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است. و سپس خوشا به حال سوگواران، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت. خوشا به حال فروتنان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد.

خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه‌ی عدالت هستند، زیرا سیر خواهند شد. حال، اجازه دهید همین جا با آنها توقف کنم. اول از همه، توجه کنید که متی و عیسی با این جمله شروع می‌کنند: خوشا به حال فقیران در روح.

به عبارت دیگر، عیسی مسیح کسی را که در روح فقیر است یا کسی را که به ورشکستگی اخلاقی خود پی می‌برد، برکت می‌دهد. کسی که در روح فقیر است، چیزی برای ارائه به خدا ندارد. کسی که در روح فقیر است، از نظر معنوی تهی یا از نظر معنوی در برابر خدا ورشکسته است.

و سپس، خوشا به حال کسانی که سوگواری می‌کنند. سوگواری در اینجا به معنای غم و اندوه به دلیل درد یا غم از دست دادن یکی از عزیزان، یا غم از دست دادن شغلم، یا زندگی پر از بدبختی و درد در زندگی‌ام و چیزهایی از این قبیل نیست. بلکه سوگواری در اینجا، با توجه به پیشینه عهد عتیق، سوگواری برای گناه است.

این نشانه توبه است. بنابراین، کسی که در روح فقیر است، کسی که از نظر معنوی در برابر خدا ورشکسته و در برابر خدا تهی است، به دلیل گناه در زندگی خود، در زندگی شخصی خود، و شاید گناه و بی‌عدالتی در جهان، در توبه سوگواری می‌کند.

و این باعث می‌شود که آن شخص سوگواری کند. و سپس به نظر می‌رسد آیه ۶ در ادامه می‌آید. پس خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه عدالت هستند، زیرا سیراب خواهند شد.

کسانی که گرسنه و تشنه عدالتی هستند که در بقیه‌ی خطبه‌ی بالای کوه به آن اشاره شده است. کسانی که گرسنه و تشنه‌ی عدالت و راستی در جهان، در زندگی خود، به دلیل ورشکستگی معنوی خود هستند، زیرا اکنون برای گناه در جهان و در زندگی خود سوگواری می‌کنند، اکنون گرسنه و تشنه‌ی عدالت و راستی هستند و خدا آنها را پر می‌کند. بنابراین در نهایت، اخلاق خطبه‌ی بالای کوه چیزی است که تنها توسط کسانی که با توبه به پیشگاه خدا می‌آیند، و کسانی که با تشخیص ورشکستگی معنوی خود و ناتوانی‌شان در حفظ شریعت و رعایت الزامات خدا می‌آیند، و در عوض، گرسنه و تشنه‌ی عدالتی هستند که خود خدا آنها را با آن پر خواهد کرد، می‌تواند انجام شود.

بنابراین، موعظه بالای کوه بسیار فراتر از این دیدگاه است و باید از آن فاصله گرفت که به نوعی این یک پارسایی عملی است که در موعظه بالای کوه درباره آن می‌خوانیم. من فکر می‌کنم مارتین لوتر و دیگران بودند که متقاعد شده بودند که هیچ انجیلی در موعظه بالای کوه وجود ندارد. من مخالفم.

وقتی خوشابحال‌ها را می‌خوانید، به نظر می‌رسد که کاملاً با انجیل هماهنگ است. تنها راهی که می‌توان موعظه‌ی بالای کوه را زندگی کرد، تشخیص نیاز ما به لطف و بخشش خدا و توانایی و قدرت توانمندساز او، برای عملی کردن موعظه‌ی بالای کوه، و به جا آوردن الزامات عادلانه‌ی پادشاهی خداست. علاوه بر این، فکر می‌کنم درک موعظه‌ی بالای کوه مهم است و قرار نیست به تمام جزئیات آن پردازیم.

من فقط دارم به طور کلی به موعظه نگاه می‌کنم. می‌توانید آن را فقط در عرض چند دقیقه بخوانید. اما در عوض، می‌خواهم یک بار دیگر آن را در متن خودش قرار دهم، و آن موعظه بالای کوه است که در زمینه ورود پادشاهی خدا است.

در واقع، در اولین خوشابحال، خوشا به حال فقیران در روح، زیرا پادشاهی از آن ایشان است. پادشاهی آسمان از آن ایشان است. و سپس، در فصل ۴، عیسی را می‌بینیم که می‌آید تا با شفا دادن، اعمال پادشاهی را انجام دهد، اما همچنین پادشاهی خدا را تعلیم دهد، اعلام کند و موعظه کند.

بنابراین، متی فصل‌های ۵-۷، یعنی موعظه بالای کوه، رسیدن پادشاهی خدا را فرض می‌کند. یعنی، موعظه بالای کوه فقط می‌تواند در درون و تحت قدرت دگرگون‌کننده پادشاهی خدا انجام شود. قدرت پادشاهی خدا پیش‌نیازی برای زیستن زندگی‌ای است که موعظه بالای کوه از آن خواسته است.

بنابراین، باز هم، این کار، عملی از روی پارسایی نیست، چیزی که عیسی از ما می‌خواهد انجام دهیم. اما اکنون، به عنوان مسیحیانی که به لطف خدا نجات یافته‌ایم، نیازی نیست که به آن موعظه توجه زیادی کنیم، و همچنین صرفاً برای نشان دادن گناهکاری و نیاز ما به یک ناجی نیست. بله، این کار را می‌کند.

اما در نهایت، موعظه بالای کوه، قدرت دگرگون‌کننده پادشاهی خدا را به عنوان پیش‌نیاز خود فرض می‌کند تا آن را به اجرا درآورد. فقط چند مرجع دیگر لازم است قبل از اینکه به طور خاص به نامه‌های پولس و آنچه در مورد اطاعت و پاسخ اطاعت به تدبیر فیض‌آمیز خدا در مسیح می‌گویند، نگاهی بیندازیم، که فکر می‌کنم این عبارت می‌تواند خلاصه آن باشد. موعظه بالای کوه، اما من فکر می‌کنم کل موضوع اطاعت

مسیحی، و آن اطاعت مسیحی است، پاسخ یک زندگی دگرگون‌شده است که پاسخی به تدبیر فیض‌آمیز خدا برای قومش در عیسی مسیح است.

برای رفتن به سراغ انجیل دیگری، می‌توانیم مکث کنیم و بگردیم و تأکیدات مشابهی پیدا کنیم. اما یوحنا فصل ۱۵ نمونه دیگری از آموزش‌های عیسی به قومش است. یوحنا فصل ۱۵، جایی که عیسی با استفاده از استعاره تاک و شاخه‌ها به شاگردانش تعلیم می‌دهد، و ما به آن از نظر آنچه که در مورد موضوع قوم خدا می‌گویید، نگاه کردیم.

اما همچنین، عیسی روشن می‌کند که تنها راهی که قوم خدا می‌توانند آن نوع زندگی مورد نظر خدا را داشته باشند، از طریق ماندن در مسیح یا ارتباط با مسیح است که تاک حقیقی است. بنابراین، در فصل ۱۵ و آیه عیسی می‌گوید: اگر احکام مرا ننگه دارید، در عشق من خواهید ماند، همانطور که من احکام پدرم را ننگه، ۱۰ داشته‌ام و در عشق او می‌مانم. پیش از این، عیسی از فصل ۱۵ و آیه ۱ روشن کرد که من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است.

او هر شاخه‌ای را که در من میوه نمی‌دهد، قطع می‌کند، در حالی که هر شاخه‌ای را که میوه می‌دهد، هرس می‌کند تا میوه بیشتری بیاورد. شما به خاطر سخنانی که به شما گفته‌ام، پاک هستید. در من بمانید. همانطور که من نیز در شما می‌مانم.

هیچ شاخه‌ای نمی‌تواند به خودی خود میوه دهد، بلکه باید در تاک بماند. شما نیز نمی‌توانید میوه بیاورید مگر اینکه در من بمانید. بنابراین، تنها راه برای حفظ احکام او، تنها راه ثمر آوردن، ماندن در تاک و تکیه بر آن است، که همان عیسی مسیح است.

بنابراین، ماندن در عیسی مسیح پیش‌نیاز ثمر آوردن و ننگه داشتن فرامین عیسی است. در کتاب اعمال رسولان، نمی‌خواهم به متن خاصی اشاره کنم، اما کتاب اعمال رسولان نیز نشان می‌دهد که ایمان و توبه هر دو برای رستگاری ضروری هستند. بنابراین، پاسخ مناسب به عیسی و انجیل، ایمان است، اما این ایمان با توبه یا رویگردانی از گناه همراه است.

ضمناً، اغلب می‌شنوید که توبه به معنای واقعی کلمه به معنای تغییر نظر است. این کاملاً دقیق نیست. توبه در عهد جدید به معنای بازگشت کامل به خود است.

بله، یک مؤلفه فکری در تغییر ذهن در مورد چیزی و آنچه فرد فکر می‌کند وجود دارد، اما این با یک جهت‌گیری مجدد و تغییر کل زندگی، کل اراده به سمت خدا در رویگردانی از گناه و پاسخ دادن به اطاعت همراه است. بنابراین، به یک معنا، ایمان و توبه دو روی یک سکه هستند. بنابراین، کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که به سراغ ادبیات پولس بروم و به چندین متن نگاه کنم که برخی از چیزهایی را که قبلاً در انجیل‌ها دیده‌ایم، با جزئیات بیشتری بیان می‌کنند، اما همچنین نیاز به پاسخ دادن به اطاعت و زندگی در پاسخ به تدبیر مهربانانه خدا در عیسی مسیح از طریق مرگ و رستاخیز او را نیز بیان می‌کنند.

نقطه شروع، ارائه یک نظر کلی قبل از بررسی چند متن خاص، فقط برای ارائه یک نظر کلی در رابطه با آموزه‌های پولس و اخلاق پولس، جلب توجه به اهمیت عهد جدید در اندیشه پولس است. حال، ما قبلاً به موضوع عهد جدید پرداخته‌ایم و دیده‌ایم که در متونی مانند دوم قرنتیان ۳، در اشاره پولس به بخشش گناهان، این واقعیت که روح القدس بر ما ریخته شده است، اینکه ما روح را دریافت می‌کنیم و در روح القدس خدا شرکت می‌کنیم، همه اینها به عهد جدید مربوط می‌شوند. بنابراین، بخشش گناهان و دریافت روح از برکات عهد جدید هستند، ارمیا ۳۱، حزقیال ۳۶، اما در متنی مانند دوم قرنتیان ۳، پولس حتی صریح‌تر می‌گوید که عهد جدید در عیسی مسیح تحقق یافته است.

اما چیزی که می‌خواهم دوباره به آن توجه کنم این است که در عهد جدید، همانطور که دوباره می‌بینیم، به ویژه در حزقیال ۳۶ و ارمیا ۳۱، عهد جدید وعده می‌دهد که خدا شریعت خود را بر قلب‌های ما خواهد نوشت. او وعده می‌دهد که به ما قلبی جدید خواهد بخشید. او وعده می‌دهد که روح خود را بر ما خواهد ریخت تا ما را قادر سازد تا از فرامین خدا پیروی کنیم.

و این همان چیزی است که یکی از ویژگی‌های اصلی متمایزکننده، بین عهد جدید و عهد عتیق در زمان موسی را متمایز می‌کند، اکنون عهد جدید قوم خدا را قادر می‌سازد تا با نوشتن دوباره فرامین خدا در قلب‌هایشان، با بخشیدن قلبی جدید به آنها و ریختن روح خود بر آنها، فرامین خدا را حفظ کنند. بنابراین، طبق تعریف، قوم عهد جدید خدا باید زندگی دگرگون‌شده‌ای داشته باشند. هیچ مسیحی‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد که تا حدی زندگی دگرگون‌شده عهد جدید را منعکس نکند.

زیرا طبق تعریف، اگر عهد جدید اکنون آغاز شده است، و با ایمان به مسیح، ما اکنون در عهد جدید شرکت می‌کنیم، اکنون ما مردم عهد جدید هستیم و به عهد جدید تعلق داریم، این عهد در ما تحقق یافته است پس طبق تعریف، عهد جدید وعده می‌دهد که خدا شریعت خود را بر قلب‌های ما خواهد نوشت. او قلبی جدید به ما خواهد داد، روح خود را بر ما خواهد ریخت و ما را قادر خواهد ساخت تا آن را حفظ کنیم. بنابراین، اگر ما تحت عهد جدید زندگی کنیم، اگر عهد جدید در مسیح تحقق یافته است و ما روح القدس را داریم، پس ناگزیر، واقعیت نجات عهد جدید را با اطاعت و اعمال نیک، با واکنشی از یک زندگی دگرگون شده، نشان خواهیم داد.

بنابراین، عهد جدید برای درک تأکید پولس، یا به نظر من کل عهد جدید، بر اطاعت و یک زندگی متحول مهم و قابل توجه است. باز هم، صرفاً استفاده از اصطلاحات رایج نیست؛ صرفاً فهرستی از این نیست که اگر قرار است مسیحیان خوبی باشیم، خدا از ما چه می‌خواهد و او چه نمی‌خواهد، چه کاری انجام دهیم. بلکه همه اینها در چارچوب رابطه عهد جدید خدا با قومش است.

بنابراین، برای بررسی دقیق‌تر چند متن، که در آن‌ها پولس به موضوع اطاعت قوم خدا از عیسی مسیح و فرامین خدا و الزامات یا خواسته‌های خدا از قومش می‌پردازد، اولین و نقطه شروع، فصل ۵ غلاطیان است. و ما قبلاً در زمینه دیگری به آن پرداخته‌ایم. اما باز هم، فصل ۵ غلاطیان مهم است زیرا اطاعت مسیحی را بار دیگر در زمینه عهد جدید روح القدس خدا یا تولید میوه روح درک می‌کند. بنابراین، ما، شناخته‌شده‌ترین بخش این آیه ۲۲ است.

در واقع، بعد از آیات ۱۹ و ۲۱، جایی که پولس اعمال نفس را شرح می‌دهد، یعنی فکر می‌کنم اعمالی که متعلق به خودم هستند متعلق به دوران قدیم هستند که شریعت در نهایت نمی‌تواند بر آنها غلبه کند و آنها را از بین ببرد. اما اکنون آیات ۲۲ و ۲۳ ثمره روح را شرح می‌دهند. یعنی این نوع زندگی است که با زندگی تحت عهد جدید روح القدس ایجاد می‌شود.

اما ثمره روح، عشق، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکی، وفاداری، ملایمت و خویشتنداری در برابر چیزهایی است که هیچ قانونی در مورد آنها وجود ندارد. بنابراین، به عبارت دیگر، عدالت یا زندگی دگرگون شده نتیجه اجتناب‌ناپذیر زندگی یا گام برداشتن در روح القدس عهد جدید است که اکنون بر مؤمنان ریخته شده است، در تحقق وعده‌های عهد عتیق مبنی بر ریختن روح خدا. حال، من از این متن چنین برداشت می‌کنم که پولس به نوعی نمی‌گوید که این امر به سادگی خودکار است و مسیحیان هیچ مسئولیتی در قبال انجام هیچ کاری ندارند.

اما مطمئناً، پولس در متن بحث خود در غلاطیان، خطاب به مسیحیانی که وسوسه می‌شوند به شریعت عهد عتیق بازگردند و تسلیم شریعت عهد عتیق شوند، به آنها یادآوری می‌کند که اطاعت واقعی، که ما مسئول آن هستیم، در نهایت تنها نتیجه روح القدس عهد جدید است که در ما ریخته شده است. بنابراین، دوباره زندگی در روح منجر به شیوه جدید زندگی یا منجر به تحول می‌شود. جالب است که پس از این، در فصل ۶ غلاطیان، کمی بعدتر به این موضوع باز خواهیم گشت، اما در فصل ۶ غلاطیان، پولس با کمال میل چندین دستور به آنها می‌دهد.

بنابراین او با این جمله شروع می‌کند: «برادران و خواهران، اگر کسی در گناهی گرفتار شود، شما که به روح القدس پایبند هستید، باید آن شخص را به آرامی اصلاح کنید.» بنابراین، پایبندی به روح القدس، قوم خدا را از مسئولیت زیستن در چارچوب ثمره روح القدس مبرا نمی‌کند. آیه ۱ اینگونه به پایان می‌رسد: «اما مراقب خود باشید، وگرنه شما نیز ممکن است وسوسه شوید»

بارهای یکدیگر را حمل کنید و به این ترتیب، شریعت مسیح را به جا خواهید آورد. کمی بعد در مورد این عبارت صحبت خواهیم کرد. اگر کسی خود را کسی بداند در حالی که نیست، خود را فریب می‌دهد.

هر کس باید اعمال خود را بیازماید. سپس، می‌تواند به تنهایی و بدون مقایسه خود با شخص دیگری به خود ببالد. هدف من این نیست که به جزئیات این دستورات بپردازم، بلکه صرفاً می‌خواهم توجه داشته باشم که حتی در زمینه زندگی تحت روح القدس، کسانی که در روح هستند، پولس همچنان به آنها دستوراتی می‌دهد که انتظار دارد از آنها پیروی کنند و به آنها دستور می‌دهد که مراقب باشند، مبادا آنها نیز وسوسه شوند، و این نشان می‌دهد که آنها نیز می‌توانند وسوسه شوند.

بنابراین، پولس گوشت را بر استخوان‌ها می‌گذارد تا نشان دهد که زندگی در روح چگونه به نظر می‌رسد سپس پولس در فصل ۶ غلاطیان گوشت را بر استخوان‌ها می‌گذارد تا نشان دهد که این چگونه به نظر می‌رسد. متن مهم دیگر، و احتمالاً آشناترین متنی که در مورد آن بحث خواهیم کرد، افسسیان فصل ۲ و آیات ۸ تا ۱۰ است.

افسسیان فصل ۲ و آیات ۸ تا ۱۰، با شروع از آیه ۸، زیرا به فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌اید، و این از خودتان نیست، بلکه هدیه‌ای از خداست، و از عمل نیست تا هیچ کس نتواند به خود ببالد. ما این را به خوبی می‌دانیم، به عنوان متنی که اغلب برای نشان دادن اینکه نجات نه با تلاش انسان، بلکه تنها با عمل فیض‌آمیز خدا که ما صرفاً با ایمان به آن پاسخ می‌دهیم، به دست می‌آید، استفاده می‌کنیم. اما آیه ۱۰ ادامه می‌دهد، زیرا ما از آن خدا هستیم، ترجمه جدید می‌گوید: «صنعت دست»، اما من دوست دارم که ما مخلوق خدا باشیم، یا ما عمل خدا باشیم، در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای خوبی انجام دهیم، کارهایی که خدا از قبل برای ما آماده کرده است تا انجام دهیم.

به عبارت دیگر، حالا پولس پا را فراتر گذاشته و می‌گوید ما برای کارهای نیک آفریده شده‌ایم. من فکر می‌کنم پولس به تصویر خلقت جدید از عهد عتیق و تصویر خلقت جدیدی که در جاهای دیگر استفاده می‌کند، اشاره می‌کند. برای مثال، دوم قرن‌تین ۵، ۱۷: ۵ و ۱۸.

ما اکنون بخشی از خلقت جدید هستیم که به معنای اعمال نیک است. ما در مسیح عیسی به عنوان بخشی از خلقت جدید، اکنون در مسیح عیسی، آفریده شده‌ایم که مستلزم یک زندگی دگرگون‌شده است که ثمره خلقت جدید یا اعمال خلقت جدید را به بار می‌آورد. بنابراین، تعلق به خلقت جدید، دگرگونی‌ای را به همراه دارد که در آن ما میوه را تولید می‌کنیم و زندگی خلقت جدید را دگرگون می‌کنیم.

بنابراین، بار دیگر، ایمان و اعمال نیک با یکدیگر در تضاد نیستند. کمی بعد به این موضوع باز خواهیم گشت، اما پولس می‌خواهد روشن کند که کسانی که به مسیح ایمان دارند، اکنون به خلقتی جدید تعلق دارند که ناگزیر مستلزم یک زندگی دگرگون‌شده است. بنابراین، او انتظار دارد که اعمال نیک نتیجه اجتناب‌ناپذیر کسی باشد که به لطف خدا از طریق ایمان نجات یافته است، ایمانی که آنها را به خلقتی جدید وارد می‌کند و مستلزم تعلق به آن است، خلقتی که مستلزم یک زندگی دگرگون‌شده برای تولید ثمره خلقت جدید است.

فصل ششم رومیان احتمالاً یکی از متون بسیار مهم برای درک اطاعت و نقش اطاعت و اعمال در زندگی قوم خداست. فصل ششم رومیان در واقع احتمالاً به عنوان پاسخی به یک اعتراض فرضی آغاز می‌شود یا می‌تواند یک اعتراض واقعی باشد که کسی به موعظه پولس مطرح کرده یا مطرح می‌کرد. اما فصل ششم با سؤالی آغاز می‌شود که بر اساس چیزی که پولس در فصل پنجم گفته است، به آنچه پولس می‌گوید اعتراض می‌کند. و در فصل پنجم، جایی که پولس آدم و مسیح را مقایسه و مقابله می‌کند، با این جمله به پایان می‌رسد: شریعت وضع شد تا گناهان افزایش یابد، اما جایی که گناه افزایش یافت، فیض بیشتر افزایش یافت.

بنابراین، حتی می‌توانید تصور کنید که کسی به این موضوع اعتراض کند، و پولس در فصل ۶ این را پیش‌بینی می‌کند. خوب، اگر این درست باشد، اگر جایی که گناه افزایش می‌یابد، فیض بیشتر می‌شود، پس واقعاً مهم نیست که من گناه کنم، زیرا این به سادگی فیض را افزایش می‌دهد. زیرا پولس همین الان گفت جایی که گناه افزایش می‌یابد، فیض بیشتر می‌شود. اما پولس با پرسیدن این سوال به این اعتراض پاسخ می‌دهد که چگونه چنین چیزی ممکن است. شما که نسبت به گناه مرده‌اید، چگونه می‌توانیم دیگر در آن زندگی کنیم؟ به عبارت دیگر، پولس متقاعد شده است که این ایده به سادگی مضحک است.

اینکه مسیحیان می‌توانند فقط برای افزایش فیض به گناه ادامه دهند یا اینکه گناه در زندگی قوم خدا، بی‌اهمیت است زیرا فیض برای مراقبت و پوشاندن آن بیش از حد کافی است. و بنابراین، پولس می‌گوید چگونه می‌توانید چنین نتیجه‌ای بگیرید در حالی که واقعاً نسبت به گناه مرده‌اید؟ چگونه می‌توانید در گناه زندگی کنید در حالی که نسبت به آن مرده‌اید؟ ایده دوباره مردن نسبت به گناه این است که مرگ چیزی است که برای پایان دادن به حکومت و سلطنت گناه در زندگی قوم خدا ضروری است. حال، بدیهی است که مردمی که پولس برایشان می‌نوشت و ما به عنوان خوانندگان امروز، هنوز زنده هستیم و فعلاً نفس می‌کشیم.

بنابراین می‌توانیم پرسیم، چطور پولس می‌تواند چیزی شبیه به این بگوید، شما نسبت به گناه مرده‌اید. یعنی شما مرگی را تجربه کرده‌اید که به سلطنت عصر شر کنونی و سلطنت گناه در زندگی شما پایان می‌دهد. چطور او می‌تواند بگوید که ما مرگ را تجربه کرده‌ایم؟ خوب، او ادامه می‌دهد و توضیح می‌دهد که این به دلیل اتحاد با مسیح در مرگ اوست.

آیه ۳، آیا نمی‌دانید که همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ یعنی با پیوستن به مسیح از طریق ایمان، نسبت به گناه مرده‌ایم، زیرا به کسی پیوسته‌ایم که در واقع مرده است. کسی که در واقع، به معنای واقعی کلمه و واقعاً مرده است و به سلطنت مرگ و سلطنت عصر شریر کنونی پایان داده است. ما به واسطه پیوستن به عیسی مسیح در آن مرگ سهیم شده‌ایم.

اما پولس پا را فراتر می‌گذارد و می‌گوید کافی نیست که ما به مرگ مسیح پیوسته باشیم، و این مرگ، سلطنت مرگ را در زندگی ما و سلطنت دوران قدیم را از بین برده است. در عوض، ما همچنین در رستاخیز مسیح با او متحد شده‌ایم تا در تازگی زندگی گام برداریم. به عبارت دیگر، این بار دیگر زبان خلقت جدید است.

اکنون ما با پیوستن و اتحاد با رستاخیز خود عیسی مسیح، که آغاز خلقت جدید است، شروع به تجربه وجود رستاخیزی خلقت جدید می‌کنیم. و بنابراین، بعداً، در فصل‌های ۱۲-۱۴، پولس خواهد گفت بنابراین، ما دیگر برده گناه نیستیم. دیگر گناه ارباب ما نیست و ما دیگر نمی‌توانیم خود را به عنوان برده به گناه تسلیم کنیم.

در عوض، تنها گزینه این است که خود را به عنوان برده و خدمتگزار عدالت به عنوان ارباب خود تقدیم کنیم. یعنی، وجود خلقتی جدید در مسیح اکنون مبنایی برای نصایح اخلاقی در بقیه انجیل شده است. ما در حال حاضر مفاهیم پولس برای زندگی مسیحی را در آیه ۴ می‌بینیم. پیوستن به مسیح در رستاخیز او به این معنی است که اکنون می‌توانیم در تازگی زندگی گام برداریم.

و سپس پولس، با شروع از آیه ۱۲، این موضوع را با جزئیات بیشتری بررسی می‌کند. اما نکته اصلی این است که وجود خلقتی جدید در مسیح، این واقعیت که من در رستاخیز او، به عنوان آغاز خلقت جدید، با مسیح متحد شده‌ام، مبنایی برای نصایح آغاز شده از آیه ۱۲ در ادامه فصل می‌شود. این چیزی است که محققان اغلب آن را می‌نامند؛ چه بخواهید از این زبان استفاده کنید و چه نخواهید، از نظر دستوری، کمی گیج‌کننده است زیرا لزوماً همیشه دقیقاً با دستور زبان ضمنی در این برجسبها مطابقت ندارد.

اما محققان اغلب در مورد وجه اخباری و وجه امری صحبت می‌کنند. وجه اخباری توصیفی از کاری است که خدا در مسیح برای ما انجام داده است. این به اتحاد ما با مسیح اشاره دارد، این واقعیت که ما نسبت به گناه مرده‌ایم و با او برخیزانیده شده‌ایم.

در فصل ۶، پولس همچنین در آیه ۶ از رومیان می‌گوید: « زیرا می‌دانیم که خود کهنه یا انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا پیکر گناه از بین برود. » باز هم، من فکر می‌کنم انسانیت کهنه و پیکر گناه راهی برای توصیف این است که من متعلق به دوران قدیم هستم، همانطور که در آدم تحت سلطه و اقتدار و حکومت دوران قدیم بودم، تحت نفوذ و کنترل دوران قدیم. اکنون، آن [انسان/جسم] به کام مرگ کشیده شده است.

به لحن تند و صریح پولس توجه کنید. او می‌گوید که انسانیت کهنه به مرگ محکوم شده است. او نمی‌گوید که کمی مختل شده یا در بند قرار گرفته است.

یه جورایی بی‌اثر شده. نه، اون از زبان خیلی تندی استفاده می‌کنه. خود قدیمی، که من به دوران قدیم گناه و مرگ، تحت حکومت و کنترل اون تعلق دارم، حالا به کام مرگ کشیده شده.

دوباره به این دلیل مرده است که من با مرگ خود مسیح متحد شده‌ام. پس این نکته‌ی شاخص است. او در ادامه می‌گوید که اکنون ما در حیات خلقت جدید رستاخیز خود عیسی شریک هستیم.

بنابراین، این همان وجه اخباری است، چیزی که به موجب این واقعیت که متعلق به عیسی مسیح هستیم و با مسیح در مرگ و رستاخیز او متحد هستیم، که آغازگر خلقتی جدید است، صادق است. اما این امر تنها به امر در آیات ۱۲ و آیات بعدی منجر می‌شود و آن را ممکن می‌سازد، به طوری که امر بر اساس وجه اخباری است.

و وجه اخباری به امر منجر می‌شود و آن را ممکن می‌سازد. این بخشی از آن تنش از پیش موجود است اما هنوز نه. وجه اخباری توضیح می‌دهد که چه چیزی از قبل به واسطه‌ی اینکه من در اتحاد با عیسی مسیح هستم، حقیقت دارد.

امر و نهی، دستورات ضروری هستند زیرا ما هنوز در «نه هنوز» زندگی می‌کنیم و منتظر کمال نهایی هستیم اما وجه اخباری، «من که در مسیح هستم، من نسبت به گناه مرده‌ام». «من که هستم، انسان قدیم، من». که در آدم هستم، متعلق به دوران قدیم، به مرگ محکوم شده‌ام

من در رستاخیز مسیح با او متحد شده‌ام و خلقت جدید آغاز شده را تجربه کرده‌ام. این همان نکته‌ی شاخص است. سپس این نکته، انگیزه و امکان لازم برای امر ضروری را فراهم می‌کند، که همانا زیستن آن در نه چندان دور از وجود من است.

سپس آن را در یک زندگی دگرگون‌شده و زندگی مطیعانه زندگی کنیم. بنابراین، فصل ۶ رومیان برای درک اخلاق پولس بسیار مهم است. وقتی به فصل ۴ افسسیان و آیات ۲۰ تا ۳۲ می‌رسیم، چیزی مشابه را می‌بینیم.

من کل آن را نمی‌خوانم. اما افسسیان فصل ۴ و آیات ۲۰ تا ۳۲. فکر می‌کنم باید این را به روشی مشابه آنچه در رومیان فصل ۶ دیدیم بخوانیم. اما افسسیان ۴:۲۰ تا ۳۲.

بیاپید ببینیم. بنابراین، هر یک از شما باید دروغ را ترک کند و با همسایه خود به راستی سخن بگوید، زیرا شما اعضای یک بدن هستید.

اگر در خشم خود هستید، گناه نکنید، نگذارید خورشید در هنگام خشم غروب کند و به شیطان راه ندهید هر که دزدی می‌کرده است، دیگر نباید دزدی کند. بلکه باید با دست‌های خود کاری مفید انجام دهد تا چیزی برای دادن به نیازمندان داشته باشد.

نگذارید هیچ حرف مفیدی از دهانتان بیرون بیاید، بلکه فقط حرف‌های مفید بزنید. می‌توانیم به خواندن سایر دستورات نیز ادامه دهیم. اما کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که به بخش قبل از آن برگردم و آن را بخوانم.

بنابراین، به این رشته از دستورات در آیات ۲۵ و بعد از آن توجه کنید. اما در آیات ۲۰ تا ۲۴، پولس می‌گوید: «اما این راه زندگی‌ای نیست که شما آموخته‌اید. وقتی درباره مسیح شنیدید و مطابق با حقیقت یعنی در عیسی، در او تعلیم یافتید، در مورد راه زندگی سابق خود آموختید که انسان کهنه خود را که توسط امیال گناه‌آلودش فاسد شده است، از خود دور کنید، در نگرش ذهن خود تازه شوید و خود تازه آفریده شده را بپوشید تا در عدالت حقیقی و تقدس حقیقی مانند خدا باشید.»

اکنون چیزی مشابه را در کولسیان فصل ۳ و آیات ۱۰ و ۱۱ می‌بینیم. در واقع، آیات ۹ و ۱۰. به یکدیگر، دروغ نگویند، زیرا انسانیت کهنه خود را با اعمالش از خود بیرون کرده‌اید و انسانیت جدید را پوشیده‌اید. انسانیتی که در شناخت، به صورت خالق خود، تازه می‌شود.

حالا، چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید دو چیز است. اول، زبان خود قدیمی و خود جدید است. من در واقع ترجمه‌ی «مرد قدیمی» و «مرد جدید» را دوست دارم، نه به این خاطر که منحصر به جنسیت است بلکه به این دلیل که فکر می‌کنم مفهوم اینکه من در آدم، انسان قدیمی، و در مسیح، انسان جدید، چه کسی هستم را به خوبی منتقل می‌کند.

بنابراین، اشاره به انسان قدیم و انسان جدید، که اغلب به عنوان خود قدیم و خود جدید ترجمه می‌شود اشاره‌ای به این است که من، دوباره، تحت کنترل عصر شیطانی کنونی، تحت اسارت گناه و مرگ در آدم هستم، در مقابل اینکه اکنون متعلق به دوره جدید نجات هستم، که با عدالت، حیات و روح القدس خدا

در مسیح عیسی مشخص می‌شود، که من در مسیح تحت حوزه اقتدار و حکومت او هستم. این می‌تواند یک اشاره باشد. اشاره به کاری است که خدا به واسطه اتحاد من با مسیح برای من انجام داده است.

بنابراین، دوباره، با مراجعه به افسسیان، افسسیان فصل ۴، در آیات ۲۲ و ۲۴، به آنچه خدا انجام داده است، اشاره می‌کنیم. در کولسیان فصل ۳، آیات ۱۰ و ۱۱، به آنچه خدا انجام داده است، اشاره می‌کنیم. ما انسانیت کهنه را که من در آدم هستم، تحت حاکمیت و کنترل و قلمرو دوران قدیم و اعمال آن، از خود دور کرده‌ایم، و اکنون انسانیت جدید را که من در مسیح هستم، پوشیده‌ایم. ما عیسی مسیح و دوران جدیدی را که اکنون در مسیح عیسی به آن تعلق داریم، پوشیده‌ایم.

ما یکی را کنار گذاشته‌ایم و دیگری را گذاشته‌ایم که این امر، توانایی و انگیزه لازم برای عمل به الزامات پیرامونی، برای عمل به فرامین پیرامونی در هر دو رساله افسسیان و کولسیان را فراهم می‌کند. نکته دیگری که باید در مورد افسسیان و کولسیان، فصل ۳ کولسیان، و نکته جالب دیگری که باید در مورد افسسیان و کولسیان، هم در افسسیان ۴ و هم در کولسیان ۳، به آن توجه کرد، این است که کمی جهت‌گیری متفاوت به طور خاص‌تر، این است که دستورالعمل‌های پولس، اخلاق او، در یک زمینه مشترک ارائه می‌شوند. به عبارت دیگر، در مورد پولس، به ویژه در افسسیان و کولسیان، من در جای دیگری نیز استدلال می‌کنم که اخلاق فردی نیست، بلکه در چارچوب یک جامعه انجام می‌شود.

پولس نه تنها نوسازی افراد را مد نظر دارد، هرچند که این نوسازی شامل آن نیز می‌شود، بلکه نوسازی کل یک جامعه را نیز در نظر دارد. و تنها در رابطه با جامعه است که دگرگونی قوم خدا می‌تواند رخ دهد. در واقع، وقتی این دستورات را در افسسیان ۴ و کولسیان ۳ می‌خوانید، بیشتر آنها چیزهایی هستند که فقط در چارچوب یک جامعه قابل انجام و اجرا هستند.

برای مثال، نه به صورت جداگانه. بنابراین، به فصل ۳ نگاه کنید. بنابراین، به عنوان قوم برگزیده خدا که در عشق مقدس هستید، خود را با شفقت، مهربانی، فروتنی، ملایمت و صبر بپوشانید. با یکدیگر مدارا کنید و اگر کسی از شما شکایتی دارد، یکدیگر را ببخشید.

همانطور که خداوند شما را ببخشید، ببخشید و بالاتر از همه این فضایل، عشق را که همه آنها را در وحدت کامل به هم پیوند می‌دهد، در بر کنید. بگذارید آرامش مسیح در قلب‌های شما حاکم باشد.

این اشاره‌ای به داشتن احساس آرامش، آرامشی فراگیر در زندگی من نیست. اما صلح، در چارچوب بحث ما در مورد آشتی که قبلاً داشتیم، به معنای فقدان درگیری در جامعه است. بگذارید آرامش مسیح در قلب‌های شما حاکم باشد.

از آنجا که شما اعضای یک بدن هستید، به صلح فراخوانده شده‌اید. یعنی، صلح به معنای نبود درگیری و خصومت و جنگ و دعوا در جامعه مسیحی است. و سپاسگزار باشید.

بگذارید پیام مسیح به طور غنی در میان شما ساکن شود، در حالی که یکدیگر را تعلیم و نصیحت می‌کنید. حال، سوال من این است که چگونه می‌توانید این کارها را در انزوا انجام دهید؟ چگونه می‌توانید در انزوا به یکدیگر تعلیم و نصیحت دهید؟ چگونه می‌توانید یکدیگر را ببخشید؟ چگونه می‌توانید شفقت نشان دهید؟ چگونه می‌توانید با یکدیگر مدارا کنید؟ چگونه می‌توانید در انزوا با یکدیگر در صلح باشید؟ بنابراین، اینها همه فضایی هستند که پولس از ما انتظار دارد در رابطه با یکدیگر در چارچوب جامعه به کار گیریم. بنابراین، آن تحول نه تنها به عنوان افراد، بلکه در چارچوب جامعه قوم خدا، کلیسا، رخ می‌دهد.

بنابراین، برای خلاصه کردن دستورات عمل‌های پولس تا این لحظه، یا اخلاق یا آموزه‌های او در مورد اطاعت و زندگی دگرگون‌شده، در نوشته‌های پولس، دستورات عمل‌های جدایی از گناه، دستورات عمل‌های دنبال کردن اطاعت، مبتنی بر این واقعیت هستند که قوم خدا قبلاً خودِ قدیمی دوران قدیم را کنار گذاشته‌اند، یا از آن جدا شده‌اند، و اکنون خودِ جدید یا انسانِ جدید را پوشیده‌اند، که متعلق به اتحاد آنها با مسیح و متعلق به وجودِ خلقتی جدیدشان در مسیح عیسی است. به طوری که خلقتِ جدید، قدرتِ دگرگون‌کننده‌ای را برای اطاعت از دستورات پولس فراهم می‌کند. البته، روندِ کنار گذاشتنِ انسانِ قدیمی و پوشیدنِ وجودِ خلقتی جدید در نوشته‌های پولس، چیزی است که هنوز کامل نشده است.

این [موضوع] در آن تنش از پیش موجود اما نه هنوز موجود، سهیم است، زیرا ما هنوز در این دوران شیطانی کنونی زندگی می‌کنیم. ما هنوز در این بدن‌های ضعیف و فاسد کنونی زندگی می‌کنیم. بنابراین، تا آن زمان، فرامین و دستورات ضروری هستند.

اما موجودات خلقت جدیدی که ما در مسیح عیسی هستیم، هم‌انگیزه و هم‌امکان زیستن در یک زندگی تازه را فراهم می‌کنند، زندگی کسانی که اکنون به عیسی مسیح تعلق دارند، و خلقت جدیدی که او از طریق رستخیز خود آغاز می‌کند. بنابراین، موجودات خلقت جدیدی که ما در مسیح هستیم، در حال تجدید شدن هستند، دائماً در حال تجدید شدن. اگر به یاد داشته باشید، در کولسیان فصل ۳، پولس به انسان، جدیدی اشاره می‌کند که ما آن را بر تن انسان جدیدی کرده‌ایم که در شناخت، در تصویر خالق خود، تجدید می‌شود.

بنابراین، ما به عنوان موجودات خلقت جدید در مسیح، در مسیح هستیم، اما همچنان که پیوسته خلقت جدید را زیست می‌کنیم، همچنان که پیوسته زندگی‌های اطاعت‌آمیزی را تجربه می‌کنیم که میوه خلقت جدید را از طریق زندگی در روح‌القدس به بار می‌آورد، در حال تجدید شدن هستیم. حال می‌خواهم به طور خلاصه یعقوب را معرفی کنم و کتاب یعقوب احتمالاً کتابی در عهد جدید است که بیشترین تمرکز را بر اطاعت مسیحی و اعمال نیک و اعمال نیک انجام شده توسط قوم خدا دارد. اما همچنین مهم است که یک بار دیگر زمینه‌ای را که یعقوب این موضوع را در آن قرار می‌دهد، درک کنیم.

بنابراین، برای مثال، در فصل ۱ و آیات ۸-۲۲، گاهی اوقات تمرکز یعقوب بر اطاعت و اعمال نیک است که از نظر تاریخی باعث شده است بسیاری از مسیحیان ارزش آن را زیر سوال ببرند یا مطمئن نباشند که با آن چه کنند. مارتین لوتر به خاطر این گفته‌اش، همانطور که سنت می‌گوید، معروف است که این یک رساله‌ی کاملاً بی‌ارزش است. او نمی‌دانست با توجه به تأکید پولس بر ایمان به عیسی مسیح و فیض خدا، با آن چه کند.

سپس به سراغ یعقوب می‌رود و می‌بیند که یعقوب بر اطاعت و اعمال نیک قوم خدا تأکید می‌کند. اما در یعقوب فصل ۱ و آیات ۱۸-۲۲، یعقوب می‌گوید: «او ما را از طریق کلام حق به دنیا آورد تا ما نوعی میوه اول خلقت او باشیم.» بنابراین، یعقوب بار دیگر از زبان خلقت استفاده می‌کند.

ما تولدی تازه یافته‌ایم و از قبل به خلقتی تازه تعلق داریم. و سپس در آیات ۱۹-۲۰ ادامه می‌دهد: برادران و خواهران عزیزم، به این نکته توجه کنید. همه باید در گوش دادن سریع، در گفتن آهسته و در خشم گرفتن آهسته باشند، زیرا خشم انسان، پارسایی مورد نظر خدا را به بار نمی‌آورد.

بنابراین، از شر تمام پلیدی‌ها و شرارت‌های اخلاقی که بسیار رایج است، خلاص شوید و با فروتنی کلامی را که در شما کاشته شده و می‌تواند شما را نجات دهد، بپذیرید. به عبارت دیگر، حتی برای یعقوب، اطاعت و ایجاد عدالت خدا در چارچوب خلقت جدید و کلام کاشته شده‌ای است که قادر به نجات ماست. بنابراین،

حتی برای یعقوب، اطاعت در نهایت محصول زندگی تحت واقعیت خلقت جدید است و توسط قدرت دگرگون‌کننده کلام خدا ایجاد می‌شود.

بنابراین حتی برای یعقوب، اطاعت چیزی نیست که ما به تنهایی آن را به دست آوریم، یا با تلاش خودمان آن را ایجاد کنیم، بلکه در نهایت بخشی از این واقعیت است که ما قبلاً به دنیا آمده‌ایم، تولدی تازه به عنوان بخشی از خلقت جدید و زندگی تحت قدرت دگرگون‌کننده کلام خدا که قادر به نجات ماست. حال، احتمالاً جالب‌ترین و حیاتی‌ترین متن یعقوب در فصل ۲ یافت می‌شود، و این همان متنی است که اغلب در تضاد با آموزه‌های پولس دیده می‌شود. بنابراین، در بخش بعدی، می‌خواهم با نگاهی به فصل ۲ یعقوب و آنچه در مورد اطاعت مسیحی در چارچوب آموزه‌های پولس می‌گوید، شروع کنم.

من دکتر دیو متیوسون هستم در سلسله سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه ۲۸، اطاعت قوم خداست.